

### روپوش مدارس ۳ساله می شود

لباس فرم مدارس از این پس نه یکساله بلکه ۳ساله خواهد بود تا خانواده‌ها بتوانند مدت بیشتری از یک دست لباس استفاده کنند. در این

اصل و شرح

صورت مقاطع ابتدایی با ۲لباس و مقاطع متوسطه اول و دوم با یک لباس قابل گذراندن خواهد بود. علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش ضمن اعلام این خبر، بر ضرورت کاهش هزینه‌های خانواده‌ها و رعایت فرهنگ قناعت تأکید کرده است. از نظر قانونی، نوع و رنگ لباس دانش آموزی

با تصمیم شورای مدرسه و با مشارکت شورای دانش آموزی تعیین می شود. قیمت لباس مدارس از طرف اتحادیه‌ها و زیر نظر اتاق اصناف تعیین می شود و وزارت صمت تولیدی‌های مجاز و قیمت را به آموزش و پرورش اعلام می کند.

### # معنادار ۱۴ ابرابر بیشتر در معرض ابتلا به HIV

مصرف کنندگان مواد مخدر جامعه پدیا  
۱۴ ابرابر بیشتر در معرض خطر ابتلا به ویروس HIV هستند! معاون پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر با اعلام این مطلب یادآور شدند همچنین حدود ۵۰ درصد مصرف کنندگان هرئوئین تزریقی به هپاتیت C مبتلا می شوند. به گفته امیر حسین باوری الگوی مصرف مواد مخدر در جهان در حال تغییر است و مواد موجود نسبت به گذشته از قدرت اعتیادآور بیشتری برخوردار شده‌اند. وی با بیان اینکه مهم‌ترین اولویت ستاد در حوزه پیشگیری، تولید پیام‌ها و محتوای اثرگذار برای نوجوانان و جوانان است، گفت: این محتواها از طریق داستان، انیمیشن، مستند و سایر قالب‌های رسانه‌ای تولید می شود و هدف اصلی آن افزایش آگاهی نسل جوان نسبت به پیامدهای مصرف مواد مخدر است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های در حال اجرا، آموزش مهارت «نه گفتن» به کودکان و نوجوانان است؛ زیرا کنجکاوی و فشار گروه همسالان از مهم‌ترین عوامل گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر به شمار می رود.

مصرف کنندگان مواد مخدر در کشور حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر

مصرف کنندگان تقنین بیش از یک میلیون نفر

جمعیت زنان مصرف کننده ۹ درصد مصرف کنندگان در ایران ۳۳ درصد کمتر از دنیا

افراد تحت پوشش خدمات حمایتی و بیمه‌ای: ۱۶۳ هزار نفر

خبر خوب برای بهبودیافتگان: راهاندازی صندوق حمایت از بهبودیافتگان با مشارکت دستگاه‌های دولتی، خیرین و سایر نهادهای مرتبط. این صندوق با شروع به کار خود نقش مهمی در بازتوانی اجتماعی و اشتغال افراد بهبودیافته خواهد داشت.



## ایران موکب‌ها

موکب‌های ایران؛ آئینه تمام نمای سرمایه اجتماعی و همبستگی ملت

**محمد سرابی | روزنامه‌نگار |** این روزها قبل از اینکه در دیوار شهر سیاهپوش شود، داربست‌های فلزی برای برپایی موکب‌های محرم در کشور علم شده‌اند؛ موکب‌هایی اگر روزی قصه تولدشان برمی گشت به مراسم عزاداری اربعین حسینی و خدمتگزاران به زائران سیدالشهدا حالا دیگر پای ثابت فعالیت‌های اجتماعی شده‌اند؛ از خدمتگزاری در بحران کرونا گرفته تا مراسم دینی و مذهبی و حتی همین جنگی که پشت سر گذاشتیم. خیلی از موکب‌ها حدود ۱۰۰ شب در تجمعات مردمی خدمت‌رسانی کردند، حالا برای محرم و عزاداری امام حسین (ع) آماده می شوند و نقطه قوت فعالیت این موکب‌ها مشارکت اجتماعی مردم در آنهاست.

جامعه امروز

### نقش اجتماعی موکب‌ها

یک ماه بعد از شروع جنگ تحمیلی سوم بود که کاووس محمودی، مدیر اربعین ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات اعلام کرد که ۲۷۲۰ موکب در سراسر کشور در ایام جنگ فعال شده‌اند. در راهپیمایی ۱۰ کیلومتری غدیر امسال هم بیش از ۲۵۰۰ موکب مردمی فقط در تهران برپا شده بود. پیشینه فعالیت این موکب‌ها که ورق می‌زنیم می‌بینیم این حرکت اجتماعی مردم ایران سابقه طولانی دارد که البته در طول زمان به شکل موکب‌های فعلی در آمده است؛ همان ایستگاه صلواتی ۳۰۲ هجری پیش که بعدها به محلی برای جمع آوری کمک‌های مردمی به زلزله‌زده‌ها و سیل‌زده‌ها تبدیل شد. هر چه جلوتر رفتیم بر نقش مردم در این حضور و مشارکت اجتماعی افزوده شد. مصداقش دوره کرونا که مردم هر محله با حضور در موکب‌های محلی شروع کردند به توزیع ماسک و مواد ضدعفونی کننده و... علیرضا شرفی بزدی، جامعه‌شناس درباره موکب‌ها به همشهری می گوید: «سال‌های جنگ عراق علیه ایران در مناطقی که محل عبور زورمندان بود موکب‌ها می آوردند و بعضی‌ها که به آنها ایستگاه صلواتی می گفتیم. کمک‌های مردمی را که از شهرها جمع آوری می شد با کامیون به مناطق جنگی می آوردند و بعضی‌ها که می خواستند آنها را سریع تر بین زورمندان توزیع کنند. این ایستگاه‌ها را درست می کردند. شربت و چای می دادند و کمپوت، بیسکویت و گاهی لباس و بقیه کمک‌های مردمی را توزیع می کردند. بعضی از کسانی که این ایستگاه‌های صلواتی را اداره می کردند هم در حمله‌ها صدام به شهادت رسیدند. اما موکب‌هایی که الان می‌بینید در اصل از کشور عراق و فرهنگ آن الگو گرفته‌اند.» او با اشاره به ماهیت موکب‌های امروزی می گوید: «الان موکب‌ها به ۱۲ دسته مردمی و دولتی تقسیم می شوند. یک گروه از آنها کاملاً مردمی هستند و هر سال به دست مردم برپا می شوند، یک دسته هم دولتی هستند و سازمانی، اما آنچه مورد توجه است آن است که همواره موکب‌های مردمی در مناسبت‌های مختلف کار کرد و شور و حال و اهمیت بیشتری دارند.»



### انتقال فرهنگ از موکب‌ها

موکب‌ها زمانی کار کرد اجتماعی خواهند داشت که فقط برای پخش کردن شربت و نذری استفاده نشوند، بلکه نتیجه آموزشی داشته باشند. مثلاً الان موکب‌هایی هستند که در قالب هنر دارند فرهنگ عاشورایی را تشریح می‌کنند. متخصصان مذهبی در این موکب‌ها حضور دارند و با نوجوانان و جوانان صحبت می‌کنند و به سوالات و شبهات آنها پاسخ می‌دهند. موکب‌ها از فناوری‌های جدید ارتباطی روز استفاده می‌کنند و با جامعه مخاطب خود تعامل دارند. همان ایستگاه‌های صلواتی زمان جنگ هم در بعضی دوره‌ها منسأ خدمت به محرومان و هدایت کمک‌های مردمی به نیازمندان شدند. شرفی بزدی تأکید می کند: «چیزی که باید همیشه در مرکز توجه ما باشد این است که فرهنگ عاشورا و انتقال پیام امام حسین (ع) محور و مرکز همه برنامه‌های محرم است و بقیه اتفاقاتی که می‌افتند قالب‌های مختلف و حاشیه‌های آن است. استفاده از سازهای موسیقی یا تشریفات دیگر جزو متن اصلی فرهنگ عاشورایی ما نیست. مناسک گرای نباید فرهنگ عاشورایی را تحت تأثیر خود قرار دهد.»

### از ظرفیت موکب‌ها استفاده کنیم

موکب‌ها جزو لاینفک فعالیت‌های اجتماعی و اجتماعات مردمی در برهه‌های مختلف زمانی شده‌اند. این حرفی است که شرفی بزدی به آن اعتقاد دارد و می‌گوید: «مثلاً در جامعه ایرانی، محرم قبلاً با سیاهپوشی شروع می‌شد. مردم تکیه‌ها و حسینیه‌ها را آماده می‌کردند. بعضی بازارچه‌ها در این مدت تبدیل به محل عزاداری می‌شد و شکل شهنشهر تغییر می‌کرد. امسال هم موکب‌های محرم را می‌بینیم که در دست شهیدانند. باید از ظرفیت موکب‌ها استفاده کرد، به شکلی که موکب را به عنوان یک پایگاه فرهنگی ببینیم.»



### مداحی به یاد دانش‌آموز مینابی

محرم امسال هر گوشه از کشور با یاد شهدای جنگ تحمیلی سوم گرم شده است و هر کسسی به طریقی تلاش می‌کند تا یاد آنها را که مظلومانه رفتند و در میان ما نیستند زنده

کند؛ یکی با چاپ تصویر شهیدها بر سردر هیئت و دیگری با شور و گرفتن در جمع عزاداران. مداحی حاج محمود کریمی که با نام ماکان نصیری و فرماندهان شهید طنین انداز شد،

قدیمی بود برای بزرگداشت جان‌هایی که حمله دشمن فرصت زندگی را از آنها گرفت و کلمه مقدس شهید را تا ابد در کنار نامشان ثبت کرد.

## تماشای جام جهانی با چشمان پدر

روایت پدری که با گزار شگری جام جهانی فوتبال برای پسر نابینایش توجه دنیا را جلب کرد



### مسیر ناهموار موفقیت

همان لذت تماشای نخستین لحظه هنرنمایی حرفه‌ای علیرضا کافی بود که پدر و مادر خاطر جمع شوند که تصمیمشان درست بوده است؛ «همین که پیاو را به خانه آوردیم، پسر ما با آنکه فقط ۵ سال داشت و تا آن موقع فقط با ساز آکسباز بازی آهنگ می‌زد، توانست بدون دیدن ظاهر پیاو قطعه الهه ناز را مانند یک پیانیست حرفه‌ای اجرا کند. آن لحظه زیباترین لحظه عمرم بود و در حالی که علیرضا پیاو می‌زد من و مادر و خواهرش بی صدا و دور از چشم او فقط اشک می‌ریختم.» از آن زمان به بعد پدر هر پنجشنبه ۲۲۰ کیلومتر مسیر شهرشان بروجن تاصفهان را طی می‌کند تا پیانیست کوچولو در کلاس نیم‌ساعتی آموزش پیانو استادی حرفه‌ای شرکت کند.

**جوهر بابا**  
علیرضا که پدرش او را با اسعنوانی مثل «جوهر بابا» و «هدیه خدا» صدا می‌زند، با بیماری مادرزادی لیر به دنیا آمده که فقط ۳ کشور بلغارستان و آمریکا امکانات درمان آن را دارند. اما بالابودن هزینه درمان باعث شده تماشای دیدای رنگی برای پسر آقار دشیر به یک حسرت تبدیل شود؛ «درمان او حدود ۱۹۰ میلیارد تومان هزینه دارد و تا به حال نتوانسته‌ام برای در مانش کاری انجام دهم.» دیدن توانایی‌ها و زیبایی‌های وجود علیرضا غم ناپیایی او را بر سر دل خانواده‌اش هموار کرده، اما تا پذیرفتن و کنار آمدن با این واقعیت لحظات سختی را گذرانده‌اند؛ «وقتی دیدیم علیرضا با دیدن اسباب‌بازی‌هایش واکنشی نشان نمی‌دهد، به پزشکان مختلف مراجعه کردیم و هیچ کدام متوجه مشکلش نشدند، اما وقتی پزشکی اصفهانی به بیماری‌اش پی برد و فهمیدیم او مادرزاد نابینا به دنیا آمده، دنیا روی سرمان خراب شد و زمان زیادی طول کشید تا توانستیم با واقعیت کنار بیاییم، ولی حالا که می‌بینم خدا به جای نعمت بینایی چه توانمندی‌های شگفت‌انگیزی در وجود پسرم گذاشته قدران این نعمت هستم که به ما بخشیده است.»

**رایعه تیموری | روزنامه‌نگار |** شاید علیرضا خاص‌ترین تماشاچی مسابقات جام جهانی فوتبال باشد. علیرضا نابیناست و تماشای هیجان بازیکنان در قاب مستطیل سبز حسرتی است که روی دل کوچک او هوار شده، اما علیرضا زرقابت فوتبالیست‌های گوشه کنار دنیا برای تصاحب جام طلایی جام جهانی ۲۰۲۶ را از دریچه چشم‌های پدر و با چاشنی گزار شگری گرم او تماشا می‌کند. ویدیوئی که پدر علیرضا از این شیوه تماشای فوتبال پسر ۹ ساله‌اش در فضای مجازی منتشر کرده، مورد استقبال کاربران این فضا قرار گرفت و همزمان با برگزاری

گزارش

**دروازه‌بانی در بازی گل کوچیک**  
علیرضای پرشور در رقابت‌های فوتبال پلی استیشن نیز به شیوه ابداعی خود با پسر دایه‌های همبازی است. وقتی پسر دایه‌هایش با دکمه‌های پلی استیشن توپ را به دروازه حریف می‌رسانند، او با کمک همبازی‌ها و فشردن یک دکمه، دروازه را باز می‌کند تا خودش و هم تیمی‌هایش با صدای جیغ و هورایشان خانه را روی سرشان بگذارند. اگر هم بچه‌های محل در کوچه بساط گل کوچیک برپا کرده باشند، علیرضا همراه پدر همبازی‌شان می‌شود و هر دو با هم در دروازه می‌ایستند تا هیچ تویی از خط دروازه آنها عبور نکند.

**قصه نمایش نداشتیم**  
شادی‌ای که گزار شگری پدر در علیرضا نشانند، آقار دشیر را به فکر انداخت که از این طرح خلاقانه خود تصویر بگیرد و با مخاطبان صفحه مجازی او به اشتراک بگذارد؛ «هن از گذاشتن این ویدئو در فضای مجازی قصد نمایش نداشتیم و فقط می‌خواستیم به بسیاری از پدر و مادرهایی که مانند من فرزند روشندان دارند و جزو دنبال کننده‌های صفحه مجازی علیرضا هستند، ایده بدهم تا با این روش لذت تماشای فوتبال را به آنها بچسانند.» این ویدئو مورد توجه افراد زیادی قرار گرفت که در کشورهای مختلف شاهد مهر و محبت پدر خانواده باباجانی بودند؛ «یک بلاگر عرب زبان این ویدئو را استوری کرده بود و با گریه به مورد آن با مخاطبانش صحبت می‌کرد. بلاگر ایرانی ترک‌زبانی هم از من برای طرح این ایده بسیار تشکر کرده بود. در بسیاری از کامنت‌ها هم افرادی که با افراد نابینا سر و کار دارند، گفته بودند با انجام این کار توانست‌اند این نابینایی را در شادی خود شریک کنند.»

**فوتبال پدر و بسری**  
مدت‌ها پیش از شروع مسابقات جام جهانی کنجکاوی علیرضا درباره این مسابقات جذاب شروع شد، اما ابهام و سؤال‌هایی که در ذهن او پیش می‌آمد، با پرسش‌های سایر همسالانش تفاوت داشت. علیرضا هیچ وقت زمین فوتبال و دیدن بازیکنان روی چمن سبز آن را ندیده بود و سعی می‌کرد با سؤال از پدر سردر آورد که در این مسابقات پربیننده چه اتفاقی می‌افتد و از دیدن چه صحنه‌هایی محروم است. این سؤال‌های علیرضا پدر مهربانش را به فکر انداخت که راهی پیدا کند تا پدر و پسر با هم به تماشای فوتبال بنشینند. دانشر باباجانی برای همشهری تعریف می‌کند: «روی در جعبه گز با مقوا و نی نوشابه خطوط و قسمت‌های مختلف زمین فوتبال را چسباندیم و تیله‌ای را هم به عنوان توپ استفاده کردم تا بتوانم اتفاقات داخل زمین را به خوبی برای علیرضا شبیه‌سازی کنم.» جذاب‌ترین بخش گزار شگری پدر علیرضا شور و هیجان به خرج دادنش برای تنها تماشاچی‌اش است؛ کاری که عشقی پدرانه در آن موج می‌زند؛ «پاس داد عقب... یک ساتر خوب از وسط زمین... شوت از بالای دروازه و... گل... گل»



**استعداد مادرزادی برای نواختن**  
مهربانی‌های پدر خانواده باباجانی در حق پسر باهوشش فقط به مستطیل سبز و دنیای فوتبال محدود نمی‌شود. او و همسرش برای شکوفاکردن استعداد هنری پسرشان هم سنگ تمام گذاشته‌اند؛ «علیرضا با آنکه نابینا به دنیا آمده، از آهنگ‌های ساده نوازاد. هر قدر هم بزرگ تر شد، با آنکه مربی و معلمی نداشت، این استعدادش را بیشتر نشان داد. من و مادرش وقتی این توانایی او و حسرتش برای داشتن یک پیانو را دیدیم، تصمیم گرفتیم برای شکوفاکردن استعدادش کاری انجام دهیم.» اما با حقوق کارمندی پدر خر به پیانوی مناسب کار ساده‌ای نبود؛ «مادرش همه طلاهایش را فروخت و من یک وام مضاربه‌ای، ۵ میلیون تومانی گرفتیم تا توانستیم هزینه ۲۰۰ میلیون خرید پیانو را فراهم کنیم.»